

وقد خلقكم اطواراً (آیه ۱۳ - سوره نوح)

هر آینه او شمارا «باطوار گوناگون

و در ادوار مختلف» آفرید .

### اولو سیون EVOLUTION

بامسئله

## تکامل حیات از نظر قرآن

ترجمه از اسلامیک ریویو، اقتباس از تحقیقات

پرفمورح . ك . شیروانی ؛ استاد علوم

طبیعی در دانشگاه عثمانیه ؛ حیدر آباد دکن

ترجمه نویسنده معتر

سید غلامرضا سعیدی

(۱۳۰۰ - ۱۳۰۱) (۱۳۰۲ - ۱۳۰۳) (۱۳۰۴ - ۱۳۰۵)

است که در این کتاب، آشیاء محسوسه را از آن شمرده می‌شوند و احتمالاً  
 در این کتاب آشیاء محسوسه نیز وجود داشته باشد، در عداد افراد حقیقی همین  
 مفهوم کلی خواهد بود و پس از آنکه ذکره هستی از نظر مفهوم توسعه  
 یافت بشر می‌خواهد بداند که این احتمال که است اشیاء محسوسه

دو دوسه قرن اخیر مسئله تطوّر و تحوّل با عبارات دیگر تکامل  
 حیات که در زبان اروپائی بکلمه «اواوسیون» تعبیر می‌شود نه فقط در  
 محافل علمی جهان بلکه همه جاورد زبانها شده است و عارف و عامی  
 از آن بحث می‌کنند و حتی مردم کوچه و بازار نیز این کلمه را در صحبت‌های  
 روزانه‌شان بکار می‌برند و عجیب‌تر اینکه هیچ کلمه‌ای بقدر این کلمه در  
 قرون اخیر مورد توجه قرار نگرفته است. درباره این کلمه کتاب‌ها نوشته  
 شده و تحقیقات عمیق و ریشه‌داری بعمل آمده و نظریات جالبی در این موضوع  
 اظهار شده است و اگر بگوئیم درباره این کلمه سحر و جادوئی بکار رفته

است کزاف نگفته‌ایم بشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است و انسان چه یک  
 و قتیکه مسئله «اصل تکامل» انتشاریافت فلاسفه ناگزیر شدند  
 وجهه نظرشان را تغییر دهند و تمام توجهات فلسفی شان را با کشف جدید  
 هماهنگ نمایند این توجه و جلب نظر منحصر بفلاسفه نبود حتی رجال  
 مذهبی و دانشمندان دینی اروپا که خودشان را شایسته بحث و تدقیق می  
 دیدند ناگزیر شدند، بعقاید و افکار دینی شان رنگ تازه‌ای بدهند و بر  
 اندام معتقدان شان جامعه نوینی بیوشند.

اصل تکامل، قیافه و سیمای جهان هستی را بکلی تغییر داد و اغراق  
 نخواهد بود اگر بگوئیم این موضوع مانند بمبی که منفجر شود، محیط

امن و راحت تصورات و تفکرات رجال فلسفه و دین را که آمیخته باجمود و رکود بود مشوش و مضطرب نمود.

این مسئله برای اولین بار در قرن هیجدهم آشکار شد، ولی قرآن کریم این معنی را پانزده قرن قبل از آن افشا کرده است، این موضوع در نظر مسلمانان تازگی ندارد و از روز نزول قرآن مجید با آن آشنائی داشته‌اند ولی بطوریکه قبلاً اشاره شد برای اروپائیان در این اواخر کشف شد.

پس از ذکر این مقدمه اینک به بحث معنی «اولوسیون» یا تکامل می‌پردازیم.

معنی لغوی این کلمه آشکار کردن و افشاء کردن و یا بعبارت دیگر باز کردن يك چیز پیچیده‌ای است، و هر وقت در اصطلاح علمی استعمال شود، مقصود وضع و طرزى است که بموجب آن طبیعت نیروهای پنهانی و خفته‌ای را آشکار می‌کند و بتعبیر دیگر؛ طبیعت راز نهانی شیء یا اشیاء معینی را بروز میدهد. در این مورد نباید اهمیت زمان را از نظر دور بداریم، زیرا عامل اصلی و اساسی «اولوسیون» زمان است، بنا بر این نمیتوانیم درباره اولوسیون فکر کنیم، مگر اینکه در عین حال فکر مامعطوف بزمان باشد.

دائرة المعارف انگلیسی (آنسیکلوپیدی بریتانیکا) در توصیف و تشریح کلمه «اولوسیون» چنین مینویسد: بونت (۱) (دانشمند معروف) کلمه «اولوسیون» را مرادف با پیشرفت و توسعه و تکامل میداند، و با توجه باین سابقه منظور او از این کلمه فقط رشد و توسعه و تکامل شیء نامرئی



است بصورت محسوس و مشهود. رشدیک موجود آلی (ارگانیک) (۱) عبارتست از طرز ترقی و توسعه یک جزء کوچک و ناچیزی از ژلاتین که در نتیجه سرایت آب بدرون آن متورم و منبسط گردد مرگ آن عبارتست از انقباض و خشکیدن ذرات آن. بصورتی که رطوبتی در آن باقی نمانده باشد.

بنابر آنچه گفته شد؛ اولوسیون، عبارتست از سیر زمان بشکلی که استعدادها بفعلیت مبدل شوند.

بافراغت از بیان و توضیح این مقدمه اینک در سایه تعلیمات و تصریحات قرآنی فقط بی بحث اجمالی در موضوع تکامل حیات می پردازیم، باید متذکر بود؛ که قبل از بحث و فحص در این مسئله بدو بایستی موضوع خلقت ماده و ایجاد حیات که بوسیله خدای متعال صورت گرفته است از لحاظ منطق قرآن تحت مطالعه و بررسی قرار گیرد و تا حد امکان دانسته شود که خدای متعال بچه کیفیتی «حیات» را در ماده ایجاد کرد، که این مقاله گنجایش آنرا ندارد.

قرآن کریم تنها کتابی است که در حدود چهارده قرن قبل از این بمسئله «اولوسیون» یعنی تحول و تطور یا سیر تکامل حیات در جهان طبیعت اشاره کرده است، و محققین این رشته از علوم که بمعارف قرآنی آشنائی کامل دارند میگویند: «کلیه تئوریها یعنی نظریاتی را که دانشمندان علوم طبیعی جدید و آشنایان باصل تکامل تا امروز ابراز داشته اند، در قرآن مجید دیده میشود و این معنا منحصر بهمین بحث

نیست ، بلکه بایشرفت علوم طبیعی ، بسیاری از اصول قرآنی که قبلا در حکم اسرار و رموز شناخته میشد و برای بشر مفهومی نبود ، در آینده نزدیکی بصورت حقایق جلوه گر خواهد شد ، باری بشر بصورتی که در عصر حاضر خود را نشان میدهد ، و سر و صورت و ظاهر خودش را مطابق آخرین اسلوب آراسته و پیراسته و باین همه سرفقتها افتخار می کند و بقدرتهائی که بدست آورده و از استعداد و کفایت خودش این همه استفاده کرده و بجائی رسیده که با آن آفریننده خودش در پاره ای از موارد رقابت میورزد ، مطابق قرآن کریم ، هر اهل مختلفی را طی کرده است . اصل خلقت بشر از ماده حقیر و ناچیز خاک مایه گرفته است . و این موجود قویترین و نیرومندترین محصولی است که از ضعیف ترین شیء بدوی بوجود آمده است . انسان « انمی است نیرومند » و این مقام و رتبه عالی را بوسیله سیر کمال و از طریق « اولوسیون » در سایه لطف و عنایت خدای متعال تحصیل کرده است ، همه میدانند و هر کسی میگوید : « از خاک بوجود آمده ایم و بخاک بر میگرددیم » ، ما چه این گفته را ناشی از یقینیات و ادراکات پیغمبران بدانیم ، و چه از مقوله دریافت های طبیعی بشرینگاریم ، ناگزیریم برای اینکه تاجائیکه درخور فهم و درک ما است مبداء خلقت و سیر حیات را از روی حقیقت و کمال در یابیم از منبع قرآن کریم استفاده کنیم . قرآن کریم در موارد مختلف ب ما میگوید :

« انسان از خاک و گل آفریده شده است »

این نظریه از هر جهت با اکتشافات ناشی از علوم زمین شناسی و زیست شناسی کاملا تطبیق میکند .

ژئولوژیستها بما میگویند که کره زمین، در یکزمانی که از حدود تصور ما خارج است توده ای از گازهای شفاف و مواد ذوب شده ای بوده است که مانند سایر ستارگان فروزش و در خششی داشته و کره زمین که در حال حاضر بمنزله مادر ماست از آفتاب جدا گردیده و شروع بحرکت و دوران کرده است. آفتاب و ستارگان و سیارات و همه اقمار تابعه، طبق نظریه «نبولر» از گازهای متراکم بوجود آمده اند.

بحث در این است که: تمرکز ثقل و تراکم ذرات گاز چگونه پیدا شد؟ باین پرسش دو پاسخ داده می شود، پاسخ اول اینست که تمرکز ثقل و تراکم ذرات ممکن است در نتیجه تغییرات آنی جوی حاصل شده باشد.

پاسخ دوم اینکه با امر «کن فیکون» صورت گرفته است. پاسخ دوم بدون تردید بمثابه آنست که فرض شود، امر خدا بصورت يك عمل ماشینی انجام گرفته است، در آن صورت این فرضیه مغایر عمل تدریجی و سیر بطی، «بی نهایت و نامحدودی» است که در عالم خلقت وجود دارد.

چون حرارتی که در داخل جسم زمین بود از آفتاب گرفته شده بود، تدریجاً رو بزوال گذاشت و پس از آنکه ملیونها سال گذشت، این سیاره مشتعل بتدریج سرد شد و ماده مذاب، مستحکم و فشرده گردید و گازهای شفاف بصورت مایع در آمد بانوجه باین سابقه، بسیاری اینطور نتیجه گرفته اند که چون زمین شروع بسرد شدن کرد؛ سطح آن بصورت قشر جامدی در آمد و این قشر که مرکب از ماده مذاب، یا ماده



فاسد شده‌ای بود ، مانند پنیر فاسدی که برای کرم ، قوت و غذای تهیه می‌کند  
برای «حیات» غذای تهیه کرد .

قرآن کریم ، تئوری مربوط با فرینش که منشأ آنرا ؛ توده‌های  
گاز میدانند در چند جمله بدین طریق توصیف می‌کند :

«ثم استوی الی السماء وهی دخان فخال لها و للارض

التي اطوعا و کرها قالنا اتینا طائیفین» (آیه ۱۱ از سوره فصلت) (۱) و

الجان خلقة ناه من قبل من نار السموم» (آیه ۲۷ از سوره حجر) . (۲)

یکی از دانشمندان مسلمین در دوران اخیر ضمن بحث از اسلام  
و تمدن چنین می‌نویسد :

«قرآن در مرحله اول پیدایش آسمانها و زمین ؛ طی هفت مرحله

بحث می‌کند . در آن هنگام فضا مملو از انواع بخار و گاز بود ، بعداً یک

ماده بخاری دیگری که مانند آتش سوزان و مشتعلی بود در فضا به

تموج و حرکت در آمد و با نتیجه منتهمی به شکل زمین بصورت

فعالی گردید .

یک محقق دیگری اینطور می‌نویسد :

«مراحل مختلف حیات در این سیاره‌ای که مسکن ما است ناشی

از نتایج طبیعی اوضاع و احوالی است که ضمن تشکیل تدریجی کوره

زمین بوجود آمده است» اوضاع و احوالی که حیات طبق آن بوجود

(۱) سپس بطرف آسمان که توده‌ای ازدود بود توجه کرد ، و با آسمان و زمین

گفت با طوع و رغبت بابا کراحت جلو بیامید ، آنگاه زمین و آسمان گفتند : با کمال  
طاعت آمدم .

(۲) و قبلا جن را از آتش بی اندازه داغ و بر حرارت آفریدیم .

آمده است هرچه باشد، این قدر مسلم است که حیات همانطور که قرآن کریم اشاره می کند از «ماده» (خاک یا گل) بوجود آمده است، و همین معنی را در آیه ۲ از سوره انعام بدین شرح:

هو الذی خلقکم من طین « الخ » و آیه ۷ از سوره سجده

بدین شرح:

الذی احسن کل شیء خلقه و بدأ خلق الانمان من طین

تصریح و تأیید نموده است

بدیهی است این بیان قرآن کریم، حاکی از اینست که انسان از گل آفریده شده است، نباید به «ماتریالیسم» یعنی فکرمادی تعبیر شود، گو اینکه هر چیزی اعم از اینست که دارای حیات باشد یا نباشد، از نظر ماتریالیستها مادی تلقی می شود ولی در برابر حقائق و واقعیات، ماده ابزار و وسیله ای است برای نشان دادن «حیات»، نه اینکه بذاته حقیقت مستقلی باشد.

قرآن کریم، ماده و الحقیقت مستقلی نمیداند، بدینجهت اصول قرآنی در هیچ موردی با ماتریالیسم یعنی فکر و فلسفه مادی تطبیق نمی کند. مطابق بیان قرآن مجید حیات، از آب آفریده شده است، بدلیل آیه ۳۰ از سوره انبیاء باین شرح:

وجعلنا من الماء کل شیء حی « الخ »

این يك حقیقت مسلم و بلك معنای بزرگی است که علوم جدید نیز از هر باره آنرا تأیید می کند.

در تاریخ فلسفه نیز تصریح شده است که «طالس مالتی» پدر فلسفه



آب را عنصر اول و عبارت دیگر ماده اولی دانسته است ، مطابق نظر او جهان از آب آفریده شده است ، اینمرد مانند همه فلاسفه یونان قبل از پیدایش سوفسطائیان ؛ مردی بود جهان شناس ، و بهر نوع پرشکیکه در باره منشأ آفرینش و مبدأ جهان از او میشد پاسخ میداد ، و اصلی را که طالس معتقد بود ، معنایش این نبود که حیات نیز از آب آفریده شده است ، و هیچیک از فلاسفه ای که بعد از او آمده اند نگفته اند که آب منشأ حیات بوده است ، بلکه فقط قرآن کریم این حقیقت را افشاء و اعلام کرد که حیات همه چیز وابسته بآب است اصل قرآنی حاکی از اینکه « هر چیز زنده را از آب بوجود آورده ایم ، بوسیله علوم جدید تأیید شده است . علوم طبیعی در این و آخر بهمان حقیقتی پی برد که قرآن مجید قرنها پیش از این آنرا اعلام و تصریح کرده است که آب منبع و منشأ حیات است و بدون آب حیات امکان ندارد . هر سال مشاهده میکنیم که رشد و نمو نباتات و اشجار بوسیله ریزش باران و آبیاری صورت می گیرد ، هر سال می بینیم که زمین خشک و مرده ، در نتیجه ریزش باران سبز میشود و قرآن کریم میگوید که خدای متعال بزمین خشک و مرده بوسیله ابر و باران حیات می بخشد ؛ این معنی اختصاص بعالم نباتات ندارد بلکه کلیه حیوانات زنده حیوانات را از آب میگیرند بنا بر این میتوان گفت : « آب منشأ حیات است ، و در تفسیر همین معنی است که یکی از دانشمندان مسلمان گفته است .

و در آن موقع آسمانها و زمین بطور کلی وضع آشفته و مضطرب  
داشتند سپس عنصر آب پیدا شد و آنچه را بسته و مسدود بود شکافت و  
باز کرد، در نتیجه حیات را در کره زمین بوجود آورد. شایع  
بعلودی که در صدر مقاله بآیه مبارکه قرآن استناد نمودیم،  
تاگزیریم همان معنی را تذکار و تکرار کنیم که خدای متعال که انسان را  
باطوار مختلف و بتدریج از مرحله ای به مرحله دیگری خلق کرده و  
تأکید می کند که حیات مراحل مختلفی را سیر کرده و مسیر حیات را  
توضیح فرموده است و تأیید میکند که سیر حیات برای آینده نیز ادامه دارد  
مطابق آیه اول، درجات و مراحل سیر حیات، بعداً بتفصیل بیان خواهد  
شد و قبل از بیان آن منظور فعلاً بطور اجمال سیر حیات را که بر اساس  
«ادوسیون» یعنی طی مراحل تطور و تحول صورت می گیرد آمتذکر  
میشویم. *و ما ننزلنا من السماء ماء فله حیاة* و *ما ننزلنا من السماء ماء فله حیاة* و *ما ننزلنا من السماء ماء فله حیاة*  
جورج برنارد شاردن، نویسنده معروف انگلیسی در یکی از  
درامه‌هایی که نوشته نظریهٔ مریوط به «سوپر من» یعنی بشر عالی و مخلوق  
کاملتر آینده را در طی زمانهای آینده تشریح و تصویر کرده است و میگوید  
با مرور دهور بشر فعلی بصورت مخلوق کاملتر و انسان عالیتری در خواهد  
آمد و همچنین سایر نویسندگان و متفکرین در این زمینه چیزهایی نوشته  
و نظریاتی ابراز کرده‌اند، ولی آنچه قرآن کریم در این باره میگوید عبارت  
از این است که انسان در هر مرحله ای از مراحل حیات بتدریج کاملتر  
راه خواهد یافت و ترقی بشر از نظر قرآن پایان پذیر نیست و وقفه ای  
در این راه نخواهد داشت. مراحل مختلفی را که انسان در سیر گذشته حیات

پیموده است قرآن کریم اینطور بیان می کند در آیات ۱۲ - ۱۳ - ۱۴ از سوره مؤمنون چنین می گوید: *لما خلقنا الانسان من سلاله من طين . ثم جعلناه نطفة في قرار مكين . ثم خلقنا النطفة علقه فخلقنا العلقه مضغة فخلقنا المضغة عظاماً فكسونا العظام لحمائهم انشأناه خلقاً آخر فتبارك الله احسن الخالقين .*

یعنی ما آنرا از عصاره یا شیره ای از خاک آفریدیم و سپس او را بصورت نطفه ای در جایگاه امن و راحتی قرار دادیم ، سپس نطفه را مبدل بعلقه (شبهه بز الو) قرار دادیم ، آنگاه آنرا بصورت بکقطعه گوشت در آوردیم و بعد از آن گوشت ، استخوان بوجود آوردیم سپس بر روی استخوان گوشت رویانیدیم (پوشانیدیم) و بالاخره او را بصورت مخلوق دیگری در آوردیم در این صورت برکت از آن خدایی است که بهترین آفرینندگان است. این آیات باصراحت و بلاغت تمام حاکی از «از نو سیون» یا سیر تکامل بشر است، و نظر انسان را متوجه آغاز آفرینش بشر می نماید و نشان میدهد که آغاز هستی انسان از نطفه بسیار کوچکی مایه میگردد و ضمناً مراحل را که پیموده است بلاضوح بیان می کند؛ با توجه باین معانی و سوانق مشاهده میشود که بشر چه مراحل مختلفی را پیموده تا باین درجه از کمال جسمی رسیده است . یکی از علمای اجتماعی گفته است: *اجتماعات منظمی را که در حال حاضر مشاهده می کنیم، آنرا بوجود نیامده و اینطور نبوده که مردمی مثلاً در یک روز تا بستائی بیدار شوند و ببینند که رشدی کرده اند بلکه این رشدیکه حاصل شده مانند رشد درخت*



است که پس از غرس شدن در زمین باتأنی و تدریج صورت میگیرد و موقعیکه مردم خواصیده هستند اشجار راه رشد و نمو خودشان را طی می کنند . همین معنی در باره رشد و کمال بشر صدق می کند . آیاتی که ذکر شد شامل حقایق علمی و واجد بیانی منطقی است . تغییر و تبدل نطفه به علقه و علقه به مضغه و سپس مبدل شدن با استخوان و پوشیده شدن استخوان بگوشت ؛ نتایج منطقی سیر حیات نطفه است پس از تسلیم و اعتراف باینکه حیات از نطفه آغاز میشود « اولوسیون » یا سیر کمال بشری که ذکر شد باید انجام پذیر شود و هیچگونه اتفاق و تصادفی در این جریان مداخله ندارد ، و هیچ چیز بدون مقدمه و خود بخود بوجود نمی آید هر چیزی تابع قانون کلی جهان است که عبارت از قانون الهی باشد مطابق تحقیقات و تدقیقات « بیولوژیست ها » یعنی دانشمندان زیست شناسی نقطه حرکت و مبدأ اولوسیون یا سیر کمال حیات در کره زمین « پروتوپلاسم » است و آن عبارت از یک جسم شفاف مایعی است که از هر جهت عبارت از جرم اصلی حیات یابنه تغییر قر آن کریم « نطفه » است . در آغاز حیات هر جرم زنده یا هر نطفه ای حیات مستقلی دارد ، ولی پس از تجمع و تشکل مقداری از این اجرام با یکدیگر بصورت توده و مجموعه ای در می آیند ، و پس از آنکه دو جرم زنده با بیشتر از دو جرم زنده ، با یکدیگر تماس گرفتند ، اغلب بصورت جرم واحدی در می آیند . این اجرام زنده پس از اتصال و بهم پیوستگی ، تشکیل یک هیئت کلی میدهند آنگاه با اصطلاح علمی یک « ارگانیزم » بوجود می آید ، و بعضی این که این عمل صورت گرفت ، این اجرام زنده بصورت ترکیب « مخصوصی در

میآیند که در سیر بطرف هدفی که دارند، مراحل مخصوص بنخود را طی می کنند.

این قطرات «پروتوپلاسم» که بیکدیگر پیوسته شدند همان علقی است که قرآن کریم از آن توصیف کرده است و باز در ساده ترین انواع «ارگانیزم» زنده قطرهٔ پروتو پلاسم بصورت طبیعی و بشکل اولی که بوجود آمده است، پس از آنکه با قطرات دیگری ممزوج گردید، روی آنها قشر نازکی از چسبی که آنرا «سلولوز» مینامند می پوشاند، و بدین طریق از یکدیگر جدا میشوند؛ و این قطراتی که در این مرحله از یکدیگر جدا میشوند و روی هر چندتای آنها قشر جداگانه ای می پوشد، آنرا «سلول» مینامند. این ارگانیزم در هم پیچیده، که از قطرات پروتوپلاسم بوجود آمده و با یکنوع چسبی بنام سلولوز (شبه بسریشم) بوجود میآید، همانی است که قرآن آن را «مضغه» مینامد که نظیر یکقطعه گوشت است. حیوانات و همچنین نباتات همه مرکب از این نوع سلولها هستند. دانشمندان زیست شناسی چنین میگویند که «ارگانیزم» زنده در حقیقت مجموعه ای است از موجودات زنده؛ جسم هر حیوانی مرکب از چند واحدی است که آنها را سلول مینامند، و سلول عبارت است از ساده ترین جزء یک ماده زنده که بنفسه استعداد زندگی مستقلی دارد.

پس از طی این مراحل، استخوان در میان تودهٔ گوشت بوجود میآید. در آغاز امر «ارگانیزم» ترکیب شده جز گوشت چیزی نبود، ولی در این مرحله، استخوان پای بر صفت وجود میگذارد و جزء ارگانیزم

میشود. عمل دیگری که در ضمن تحول و تکامل صورت میگیرد خلقت  
اعضای بدن است.

قرآن کریم برای بیان این منظور در آیه ۹ از سوره سجده تصریح میکند  
 ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْبَصَارَ  
 وَ الْاَفْتِدَةَ الْخَبِيثَةَ و بعد از آن او را صاف کرد و در او روحی از روح خود دمید و برای شما گوش و چشم و بوی وجود آورد. در این زمینه نیز آلهامی طبیعی داستان جالب توجهی از کیفیت آفرینش اعضای بدن در دسترس ما میگذارد که میگویند: در سیر صعودی درجات حیات حیوان، بگونه تکامل تدریجی مخصوصی برای از دیاد انرژی و رشد بخارجی در جسم ملاحظه میکنیم که بسبب از رشد سطحی جسم تمیز داده نمی شود، و منتهی به تشکیل دقیق اعضای بدن از قبیل چشم و گوش می شود، به طوری که در این مرحله از حیات حیوان، تفاوتی بین این دو عضو وجود ندارد. پس از آنکه از کائیزم، تحت تاثیر عوامل و آثار صحیح قرار گرفت، یکقسمت از اجزاء آن عکس العملی نشان میدهند، که برور و باسیر زمان، گوش بوجود می آید. عین این جریان در باره پیدایش چشم و سایر اعضا مصداق دارد. این است آنچه را قرآن کریم در موضوع «اولوسیون» یا تطور و تحول و بقیارت دیگر در زمینه سیر تکاملی بشر از لحاظ پیدایش و رشد جسمی در دسترس ما می گذارد.